

# با منفاخر اسلام آشنا شویم

علی دوانی

قرن هفتم هجری

## ابن سعید حلی

این مرد نامی از دانشمندان حله و فقهای مشهور نیمه دوم این قرن بشار می‌رود. در کتب تراجم او را بدین گونه یاد کرده‌اند:

ابوزکریا نجیب الدین یحیی بن احمد بن یحیی بن حسن بن سعید هذلی حلی. وی نواده دختری فقیه بزرگ محمد بن ادریس حلی و پسر عم پیشوای مجتهدین شیعه محقق حلی است. باین شرح که مادرش دخترا بن ادریس بوده و جدش یحیی دو پسر داشته یکی احمد پدر وی و دیگر حسن که پدر محقق حلی است.

ابن سعید در اسم و کنیه و لقب با جدش شریک است. زیرا جدش نیز ابوزکریا نجیب الدین نام داشته، و از فقهای بنام و دانشمندان بزرگ عصر خود بوده است، و به همین جهت گاهی بهم مشتبّه می‌کردند، زیرا هر دو یحیی بن سعید، و با اختصار «ابن سعید حلی» می‌گویند.

جدش یحیی بن حسن که او را یحیی بزرگ نیز می‌نامند از اکابر فقها و دانشمندی فاضل و محقق مدقق و مورد اعتماد فقها بوده است. وی همان است که شهید اول در کتاب شرح ارشاد در مبحث «قضاء صلوات فائنه» قول بنو سعید را از وی نقل می‌کند. محقق حلی بواسطه پدرش حسن از وی روایت می‌کند.

بطور خلاصه خاندان ابن سعید از جانب پدر و مادر همه در مذهب علم و فقه و دانش

و ادب پرورش یافته و پدیدرپدیدر رؤسای مذهب و پیشوایان شیعیان عصر خود بوده اند.  
فرزند ابن سعید : محمد بن یحیی هم از قهرمای بزرگی و دانشمندان مشهور  
بوده است .

### استادان و شاگردان وی

ابن سعید بسال ۶۰۱ در شهر کوفه متولد شد، و در حله مسقط الرأس خود، رشد کرد.  
آنگاه در ایام جوانی نزد ابو حامد سید محیی الدین محمد بن عبدالله بن زهره حلی ، و  
نجیب الدین محمد بن نما، و سید فخار موسوی، و شیخ محمد بن ابوالبرکات که همه از دانشمندان  
نامی حله بودند به تحصیل پرداخت، و ققه و اصول و حدیث و ادب را از محضر آن رادمردان  
آموخت .

با اینکه اینان استادان پسر عمش محقق حلی بودند، مع هذا ابن سعید با احترام مقام  
علمی و شخصیت بزرگی محقق در درس وی نیز شرکت می جست و از او نیز بدریافت اجازه  
ناقل گشت .

ابن سعید بعد از محقق بتدریس و تعلیم و تربیت شاگردان و فضیای برجسته ای همت  
گماشت و دانشمندان بزرگی مانند علامه حلی ، سید عبدالکریم ، بن طاوس و شیخ  
حسن بن داود حلی که هر سه از شاگردان محقق نیز بشمار میروند، از خرمن علوم و  
فنونش خوشه ها چیدند.

مؤلف «امل الامل» مینویسد : سید عبدالکریم بن طاوس کتاب «معالم العلماء» ابن  
شهر آشوب مازندرانی و غیر آنرا ، از وی روایت می کند ، چنانکه این را بخط ابن طاوس  
نامبرده دیده ام ، و نیز علامه حلی کتاب «جامع الشرایع» تألیف و غیر آن از تألیفات او را  
از وی روایت میکند .

### علوم و فضائل او

علامه حلی در اجازو بنی زهره میگوید : وی دانشمندی زاهد و پارسا بود ، و  
شاگرد دیگرش حسن بن داود در کتاب رجال خود نوشته است : استاد ما امام علامه ،  
و پیشوای پاک سرشت ، جامع فنون و علوم ادب و ققه و اصول و از زهاد و پارسا ترین دانشمندان  
عصر خود بود .

مرحوم سید محمد باقر خونساری در «روضات الجنات» از کتاب «ریاض العلماء» از شیخ ابراهیم کفعمی نقل می‌کند که وی در جوانی کتاب «فرج الكرب» ابن سعید نامبرده و بعضی از تألیفات او را بر شمرده و نوشته، یکی از دانشمندان در مدح وی گفته است :

لیس فی الناس فقیه مثل یحیی بن سعید

سنة الجامع فقیهاً قدحوی کل شریذ

یعنی، در میان مردم فقیهی مانند ابن سعید هذلی نیست. او کتابی بنام «الجامع» در فقه تصنیف کرده است که تمام فروع و جزئیات را دربردارد.

و دیگر از فضلا گفته است :

انت یحیی العلم باسمک «یحیی»

یا سعید الجدود یا ابن سعید

ظنه العالم المحقق و حیا

مارأینا کمثل یحیی بن سعید

یعنی، ای کسی که اجدادات همه مردم باسعادت بودند، ای فرزندان سعید! تو یحیی هستی (یحیی یعنی زنده) و علم بنام تو زنده است، ما مجلس درس و بحثی مانند درس و بحث تو ندیدیم، دانشمند محقق اگر به بیند آنرا وحی می‌پندارد.

در روضات از اجازه علامه حلی نقل می‌کند که : «وقتی فیلسوف بزرگ خواجه نصیر الدین طوسی وارد مجلس درس محقق شد و از وی پرسید : کدام یک از شاگردان شما اعلم در اصول فقه و کلام میباشند؟

محقق اشاره به پدرم (سید الدین حلی) و مفید الدین ابن جهم نمود و گفت: این دو نفر اعلم این جماعت بعلم کلام و اصول فقه می‌باشند.

ابن سعید که از جمله حضار مجلس بود از گفته محقق مکدر شد، و پس از ختم مجلس که بخانه مراجعت گردانیده به پسر عمویش محقق نوشت و از جمله چند شعر در این خصوص سرود و گفت:

یا بودن من شما از سدید بن یوسف و مفید الدین ابن جهم نام بردید و اشاره‌ای

بمن ننمودید؟

محقق نامه‌ای در جواب او نوشت و از وی بدین گونه عذرخواست: علت اینکه من از تو نام نبردم این بود که ترسیدم که نکند خواجه در علم اصول یا کلام مسئله‌ای از تو سؤال کند و تو نتوانی پاسخ درست بدهی و موجب شرمساری ماشود.

مؤلف روضات سپس می گوید : بکمان من اینستکه بیشتر تسلط شیخ نجیب الدین ابن سعید در فنون عربیت و اخبار بوده است چنانکه (سیوطی) در بغیة الوعاء مینویسد، ابن سعید مردی فاضل است . ذہبی گفته : وی دانشمندی لغوی ، ادیب ، حافظ احادیث ، بصیربخت و ادب ، و از بزرگان علمای شیعه است . از ابن اخضر استماع حدیث نموده و در کوفه بسال ۶۰۱ متولد شده و در شب عرقه سنه ۶۸۹ بدرود حیات گفته است .

محدث نوری در خاتمه مستدرک می گوید: عجیب است صاحب روضات از گفته ذہبی که مردی ناصبی و از دشمنان شیعه بوده است ، کمان برده که بیشتر تسلط ابن سعید در رشته ادبیات و لغت بوده است، و بقول شاکر بزرگش ابن داود که گفته است: وی از بزرگان فقها بوده است اطمینان پیدا نکرده است !!

ولی بنظر ما گفتار صاحب روضات و محدث نوری هر دو محتاج به مطالعه بیشتر است زیرا ماجرای مجلس محقق و سؤالی که خواجه از وی در خصوص اعلم شاکردان وی در علم اصول و کلام نمود مربوط بسال ۶۵۶ یعنی ایام سقوط بغداد و ورود خواجه بکشور عراق است و ابن سعید که در سال ۶۹۰ در گذشته ، ۳۴ بعد از آن در جهان زیسته است و از این رو دور نیست وی در آنروز تسلط کاملی مانند ، سدیدالدین یوسف و مفیدالدین ابن جهم در علوم نامبرده نداشته است و این با اجاطه و ممارست بعدی وی در علوم مذکور و تعریف شاکردش ابن داود از مقام عالی فقهی او منافات ندارد .

ثانیاً اینکه ذہبی او را از بزرگان علمای شیعه دانسته خود میرساند که وی از رؤسا و پیشوایان بزرگ و مراجع عصر بوده ، و گرنه تنها با تسلط در لغت و شعر و ادبیات ، آن مرد متعصب او را «من کبار الرافضه» نمی خواند . زیرا نوعاً این گونه تعبیرات در کتب رجال و تراجم مخصوص فقهای بزرگ و مراجع عصر بوده است ، و از این رو نظریه صاحب روضات و تعجب محدث نوری مورد پیدا نمی کند و در حقیقت مطلب کاملاً روشن است .

### آثار تفسیر او

در خاتمه مستدرک می نویسد : ابن سعید از فقهای معروف است که فتاوی وی در در کتب اصحات نقل شده است . و هم تألیفات و تصانیف بسیار دارد که در باب تراجم از

ذکر آن اہمال ورزیدہ اند ، و تنها مؤلف دریاں العلماء کہ استاد فن تراجم است آنہا را نام بردہ و اینک قسمتی از آثار نفیس فکری و قلمی وی:

- ۱- الجامع للشرایع - این کتاب در فقہ و از بہترین و معروفترین تألیفات اوست.
- ۲- المدخل - در اصول فقہ.
- ۳- الفحص والبیان عن اسرار القرآن - کہ شیخ زین الدین بیاضی در کتابش بنام مصراط المستقیم، از او دانستہ و کفہہ است ؛ من در این کتاب آیاتی را کہ ابن سعید در خصوص دلالت آنہا بر اختیار بندگان ذکر نمودہ با آیات دالہ بر جبر، مقابلہ کردم، دیدم آیات عدل نمود آیدہ بیش از آیات جبر است!
- ۴- معالم الدین - در فقہ کہ سیط شیخ علی کریمی بوی نسبت دادہ .
- ۵- رسالہ لمعہ - در مسئلہ نماز جمعہ .
- ۶- کشف الالتباس عن مجالسہ الأرجاس - این کتاب را شیخ ابراہیم کفعمی در بعضی از مجامع از او دانستہ است.
- ۷- رسالہ در نجاست مشرکین - کہ شہید در کتاب ذکر وی نسبت باودادہ.
- ۸- رسالہ در قضای نمازہای فوت شدہ - نیز در شرح ارشاد شہید از آن نام بردہ است.
- ۹- نزہة الناظر - در جمع بین اشیاء و نظائر، کہ از کتب نفیس و هموارہ در دسترس مجتہدین ما بودہ است . این کتاب در فقہ امامیہ و از طہارت تأدیبات و در تہران چاپ شدہ و تقریباً نصف تبصرہ علامہ است ، و با حجم کوچک خود ، نشانہ کثرت احاطہ و حضور ذہن و مہارت مؤلف آن در علم فقہ است.

### قابل توجه

شماره اول و دوم امسال کہ بعدہ ای از مشترکین گرامی نرسیدہ بود و بنا بود تجدید چاپ شود از چاپ خارج کردید ، خوانندگان گرامی بنمایندگان مادرشہرستانہا مراجعہ کردہ و از ایشان دریافت دارند. یا مستقیماً بآدرس دفتر مکتب اسلام - قم مکاتبہ فرمایند.